

مسئولیت مدنی وزارت آموزش و پرورش در قبال افت تحصیلی دانش آموزان

یوسف محمدحسینی حاجی ور

موسسه طلوع مهر قم

نام نویسنده مسئول:

یوسف محمدحسینی حاجی ور

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین عوامل توسعه جوامع به حساب می آید، به گونه ای که همه نظام های آموزشی در صدد، کارآمد یا کارآمدتر نمودن نظام آموزشی خود از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. نقش خانه دوم در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع نمو بیشتری پیدا کرده، به طوری که مسئله افت تحصیلی در این منزل در بسیاری از کشورهای جهان، بویژه جوامع جهان سوم به صورتی حاد بوده و در قبال آن دارای مسئولیت مدنی می باشند. **واژگان کلیدی:** دولت - تحصیلات - توسعه فرهنگی - کلی نگری - جبران خسارت .

مقدمه

در دنیای کنونی، آموزش و پرورش نقطه عطفی است برای اغلب کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند. و رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری‌ها در تعلیم و تربیت از جمله دیدگاه حداکثری مبتنی بر خود یادگیری و چگونگی یادگیری (فراشناخت)، یادگیری فرایندمدار و مستقل موجب حرکت تدریجی در باز تعریف مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت شده است. به گونه ای که علم، تدریس، معلم، شاگرد، محتوای درسی و مدرسه در حال احراز تعاریف جدید هستند. آموزش و پرورش به لحاظ نوع کار و مکانیزم اثرگذاری آن بر بنیاد جامعه، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات آن خیلی سریع مورد قضاوت افکار عمومی، بازنگری جامعه و تجزیه و تحلیل نخبگان و اندیشمندان قرار می‌گیرد به همین خاطر مسئولین تصمیم‌ساز در آموزش و پرورش باید با شناسایی و تبیین ارتباط ارگانیک موجود بین عوامل، شرایط و زمینه‌های تأثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی و کنترل کارآمد برنامه‌ها، مواظب بازخورد فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود باشند و هرگونه طرح و برنامه را با محک دیدگاه‌های صاحبان فکر و اندیشه سنجش و ارزیابی نمایند. تا زمانی که خط مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها متکی بر ارزشیابی و ارزیابی نظام یافته نباشد و برنامه‌ها با دور تند بازنگری نشده و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها کنترل نشود نه فقط موجب پیشرفت نمی‌گردد بلکه در برابر خیلی از واقعیت‌های موجود در جامعه و حتی نوآوری‌های علمی و فنی و باورهای نوین مقاومت می‌کند (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹).

بدیهی است، فرایند تعلیم و تربیت هر جامعه، در چارچوب دستگاهی به نام آموزش و پرورش تحقق پیدا می‌کند. یکی از بحث انگیز ترین مسائلی که معمولاً همه نظام‌های آموزشی جهانی با آن دست به گریبان اند افت تحصیلی است که سالانه بخش قابل توجهی از بودجه، نیروی انسانی و امکانات را تلف می‌کند و اثرات ناخوشایندی از نظر روحی و روانی بر فراگیران وارد می‌نماید و مشکلات عدیده ای را نیز برای خانواده ها به وجود می‌آورد (آزادیکتا، ۱۳۹۱). قابل ذکر است، نظام آموزشی کشور ما نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته با مسئله افت تحصیلی روبرو است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳).

با وجود اینکه افت تحصیلی، خسارات و هزینه های ناشی از آن، نگرانی هایی را برای دانش آموزان، خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت در جامعه به وجود آورده است، اما همچنان در حاشیه قرار گرفته است و ضایعات آن در جامعه نمود ظاهری ندارد. به عنوان مثال، برای بررسی علل شکست و ناکامی های اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، حوادث و بلاهای غیر مترقبه، شکستهای ورزشی و حتی سیاسی، کمیته ی بررسی علل شکست و ناکامی تشکیل می‌گردد، و برای جبران این شکستها چاره جویی نیز به عمل می‌آید اما برای مفهوم افت تحصیلی که بر اساس برآوردهای رسمی، سالانه خسارتهای هنگفتی را متحمل جامعه می‌نماید، هیچگونه کمیته ی بررسی علل و عوامل مرتبط با افت تحصیلی تشکیل نمی‌شود و در ساختار و تشکیلات سازمانی و اداری وزارت آموزش و پرورش، چارت خاصی برای بررسی و پیگیری علل آن وجود ندارد.

با توجه به گزارش های معتبر یونسکو و دیگر منابع رسمی از میزان خسارتهای ناشی از افت تحصیلی موجود در ایران، و در حالیکه در عصر دهکده جهانی، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و انفجار دانش، صحبت از مدرسه اثربخش، مدیریت مدرسه محور و مدیریت کیفیت فراگیر به میان می‌آید، وجود بیش از پنج میلیون مردودی و ترک تحصیل در پنج ساله ی اخیر نشان از بروز شکاف آموزشی آشکاری در سیستم آموزش و پرورش ایران می‌باشد.

لذا در پژوهش پیش رو قصد بر این است تا به بررسی حقوقی موضوع بپردازیم و در این راستا مسئولیت مدنی آموزش و پرورش را در قبال افت تحصیلی دانش آموزان مورد مطالعه قرار دهیم.

۱- مبانی نظری

افت تحصیلی یک پدیده رایج و مهم در مراکز آموزشی است، از پیامدهای منفی آن کم انگاری، تردید درباره توانایی‌های خود، واکنش‌های جسمانی و روانی ناخوشایند است.

افت تحصیلی، شکست تحصیلی و در نتیجه نگرش منفی به تحصیل اگرچه یکی از مسائل مهم جامعه ماست اما اقدامات علمی و عملی کمی برای رفع این معضل بزرگ که به آسیب و تباهی جامعه می‌انجامد صورت گرفته است.

نتایج پژوهش‌های بین‌المللی (تیمز، تیمز آر، پرلز) در سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ مؤید آن است که در سال ۱۹۹۵ عملکرد دانش‌آموزان در درس علوم و ریاضی در رتبه‌های آخر و در سال ۲۰۰۳ نزدیک به میانگین قرار دارند. این نتایج که بیانگر آن است که عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در درس ریاضی و علوم چندان موفق نبوده‌اند (پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۸۷).

تحقیقات لمبرت (۲۰۰۲) کوپر (۲۰۰۵) نشان داد که علل افت تحصیلی را باید در عوامل آموزشی جستجو کرد (Sedghi, ۲۰۰۳).

نتایج تحقیقات بلانتر (۲۰۰۴)، ولز (۲۰۰۶) مؤید آن است که بیش از نیمی از دانش‌آموزان دارای مسائل و مشکلات یادگیری و رفتاری هستند. این مشکلات در طول سالهای تحصیلی ادامه می‌یابد و دانش‌آموزان را در مراحل بعدی در معرض مسائل جدی از قبیل: افت تحصیلی، شکست تحصیلی، ترک تحصیل و بزهکاری قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش لاستر و همکاران (۲۰۰۳)، احمدی (۱۳۸۰) در زمینه شناسایی عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی نشان داد که عوامل درون‌مدرسه‌ای عامل تعیین‌کننده در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان محسوب می‌شود.

اکثر نظریه‌پردازان در رابطه با تأثیر عوامل آموزشی بر افت تحصیلی اتفاق نظر دارند و بر این باورند که عوامل آموزشی از قبیل جو سازمانی مدرسه، سبک مدیریت مدیران و ویژگی‌های شخصیتی معلمان ابعادی هستند که در تعامل با یکدیگر بر نتایج آموزشی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر متقابل دارند.

علاقه بند و نیکنامی (۱۳۸۵) بر این باورند که جو سازمانی بسته و ناسالم منشأ بروز واکنش‌های منفی معلمان، دانش‌آموزان از جمله: نارضایتی، فشار روانی، بی‌علاقگی، کم‌کاری و افت تحصیلی می‌شود که می‌توان آن را به عنوان فاجعه قرن معاصر مطرح کرد. نیکنامی (۱۳۸۵) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که پیشرفت مدرسه تابع باز بودن جو سازمانی و اثربخشی و کارایی مدیران، دبیران و دانش‌آموزان است.

نتایج پژوهش علاقه‌بند (۱۳۷۷) مبین آن است که باز بودن جو سازمانی همبستگی دارد با بیگانگی کمتر از سوی دانش‌آموزان، افت تحصیلی کمتر و رضایت بیشتر دانش‌آموزان و دبیران از مدرسه.

سبک مدیریت مدیران در مدارس از یک سو با: معلمان و نیازهای آنها و از سوی دیگر با:

فرآیند آموزشی و یاددهی مرتبط است که مستقیماً به فراگیران مربوط می‌شود (ایمانی و همکاران، ۱۳۸۹).

نتایج پژوهش یابی (۲۰۰۴) و الهیان (۱۳۸۴) مؤید آن است که ریشه موفقیت و شکست عملکرد دبیران و دانش‌آموزان را باید در سبک مدیریت مدیران جستجو کرد.

نتایج پژوهش لاکان (۲۰۰۲) و رسولی (۱۳۸۶) نشان داد که ویژگی‌های شخصیت از قوی‌ترین و پایدارترین پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است.

نتایج پژوهش دال (۲۰۰۶) و همتی (۱۳۸۷) مؤید آن است که دبیرانی که ثبات عاطفی و شخصیت سالم دارند، دانش‌آموزان آنها در مهارتهای زندگی و عملکرد تحصیلی نمره بالایی کسب کرده‌اند.

مک کین و آدام (۲۰۰۵) و حسینی (۱۳۸۴) ضمن مروری بر سبب‌شناسی اختلالات شخصیتی دبیران دریافتند که در حدود نیمی از دانش‌آموزانی که افت تحصیلی و ترک تحصیل دارند، دبیران آنها دارای اختلالات اضطرابی، افسردگی و شخصیتی هستند.

نتایج پژوهش رامسون (۲۰۰۳) و رشیدی (۱۳۸۷) نشان داد که اختلالات شخصیتی معلمان بر سلامت روان، میزان یادگیری و افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است (کچویی و همکاران، ۱۳۹۳).

مروری بر تحقیقات پیشین بیانگر آن است که افت تحصیلی بر سلامت روانی دانش‌آموزان و سلامت جسمانی اثرات مخربی دارد، سلامت فرد و بهره‌وری سازمان را به مخاطره می‌اندازد و هزینه سنگینی بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند.

بنابراین تازمانی که بافت مدرسه و کلاس از سلامت سازمانی مطلوب و مناسبی برخوردار نباشد برنامه‌های درسی، فعالیت‌های آموزشی و هر نوع سازماندهی علمی و آموزشی در سطوح مختلف حاصلی به بار نخواهد آورد.

۲- مفاهیم تمهیدی

۲-۱- مفهوم مسولیت مدنی

مسولیت معادل واژه انگلیسی «responsibility» است و به تعبیر نویسندگان عبارت است از؛ ضرورت پاسخ‌گویی توسط شخصی که از تعهدات و وظایف خود تخلف نموده است، چه این تعهدات حقوقی باشند و چه جنبه اخلاقی و معنوی داشته باشند. (صفا، ۱۳۷۳). مسولیت مدنی مسئولیتی است، که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجود آورنده خسارت را ناگزیر از جبران خسارت می‌نماید. به بیان دیگر مسولیت مدنی به معنی مسولیت پرداخت خسارت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). لذا هر جا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد، در آن جا مسولیت مدنی وجود دارد.

بر مبنای مسولیت مدنی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده، رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید، که همان جبران خسارت است. بنابراین مسولیت مدنی در معنی عام و وسیعش هم مسولیت قراردادی و هم مسولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد. زیرا در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت است. اما تفاوت اساسی این دو با هم برمی‌گردد، به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین. قلمرو مسولیت مدنی از جایی آغاز می‌شود، که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست، در حالی که

مسئولیت قراردادی مسئولیتی است، که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می آید. به بیان دیگر مسئولیت قراردادی به این معنی است، که کسی که به عهد خود وفا نکرده و باعث ضرر طرف قرارداد خود شده باشد، باید زیان وارده را جبران نماید^۴.

در متون کلاسیک و حقوق عرفی، تئوری هایی که به عنوان مبنای مسئولیت مدنی مطرح شده اند، حول دو نظریه اصلی «تقصیر» و «خطر» تمرکز یافته است. اگر برای دولتها نیز همانند سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر دولتی، مسئولیتی فرض شود، با همین مبانی قابل توجیه و اثبات است. در ادامه مختصری در باب دو نظریه مشهور «تقصیر» و «خطر» توضیحاتی داده می شود.

الف - نظریه تقصیر: براساس این نظریه، مسئولیت مدنی صرفاً در صورتی قابل طرح و انتساب است.

که وارد کننده خسارت در انجام عمل خسارت بار و زیان آور، مرتکب تقصیری شده باشد. ملاک در این مسئولیت سنجش اخلاقی رفتار مباشر خسارت است که اگر از نظر اجتماع، انحراف و تجاوز از رفتاری باشد که برای حفظ حقوق دیگران لازم است، وی ملزم به ترمیم خسارت است و اگر از نظر اخلاقی رفتار وی عاری از سرزنش باشد، ضمانی به عهده او نیست. بر طبق نظریه تقصیر تنها دلیلی که میتواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر وارده است. تئوری تقصیر، خود بر مبنای دیگری استوار است؛ و آن این است که اندیشه جبران خسارت از آرمانهای کهن اخلاقی و انسانیت است. اخلاق به انسان می آموزد که خسارت ناشی از گناه باید جبران شود و توبه زمانی انسان خاطی را آسوده خاطر می کند که زیانهای ناشی از کار خود را جبران کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲).
ب - نظریه خطر: تا اواخر قرن نوزدهم، علمای حقوق فقط عنصر تقصیر را لازمه ایجاد مسئولیت مدنی میدانستند اما توسعه قابل توجه ماشینیسیم^۱ جان بشر را بطور بی سابقه ای تهدید نمود.

در نتیجه حقوق دانان و محاکم متوجه آن شدند که با یک سیستم حقوقی که منحصر بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد بی عدالتی های زیادی بوجود خواهد آمد. لذا این فکر بوجود آمد که در برخی موارد بدون تقصیر هممسئولیت ایجاد شود. به نظر این گروه، در دنیای صنعتی مواردی پیش می آید که نمی توان گفت که تقصیر خوانده سبب وقوع زیان بوده است، زیرا نمی توان به طور قطع ادعا نمود که هر گاه تقصیر وی نبود، ضرر هم واقع نمی شد. در این فرضیه گفته می شود که، هر کسی که به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی را برای دیگران بوجود می آورد و چنین کسی که از این محیط منتفع می شود، باید زیانهای ناشی از آن را نیز جبران کند. به بیان دیگر برای مسئول دانستن شخص نیازی نیست که او در انجام عمل خسارت بار حتماً مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همینکه از عمل خطر آفرین او، خسارتی ببار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیری شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران نماید.

نظریه خطر، به جهت آنکه خوانده را حتی بدون تقصیر و رفتار قابل سرزنشی مسئول می شناسد، مورد انتقاد قرار گرفته است. در انتقاد از نظریه خطر گفته می شود: «آثار هیچ یک از اعمال انسان تنها دامنگیر خود او نمی شود و بازتابهایی در باره دیگران نیز دارد؛ به جمعی سود می رساند و برای دیگران زیانبار است. ولی این آثار نتیجه قهری زندگی اجتماعی است. در جنگ بزرگ زندگی هیچ کس نمی تواند به خود ببالد که به دیگران زبانی نرسانده است. تمام برتریهای مادی و معنوی به بهای تضرر دیگری به دست می آید. این ستیز دائمی ناشی از طبیعت زندگی است. پس نمی توان اضرار به دیگری را به تنهایی سبب ایجاد تعهد برای جبران آن شناخت. از این رو عده ای با قرار دادن کار نامتعارف به عنوان مبنای مسئولیت، سعی کرده اند نظریات «تقصیر» و «خطر» را تعدیل کنند. در واقع «کار نامتعارف» ضمن این که به شدت و غلظت «تقصیر» نیست، نوعی بی مبالاتی است و گامی در جهت نظریه ایجاد خطر و نظریه ای بینابین و مختلط می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، پیشین).

۲-۲- مفهوم افت تحصیلی

معمولاً برای تبیین مفهوم افت تحصیلی معمولاً از تعبیرهای شکست و اتلاف تحصیلی استفاده می شود، اما برخی اظهار می دارند که مفهوم افت تحصیلی صرفاً در مردودی و شرکت در امتحانات مجدد خلاصه نمی شود و می تواند شامل هر دانش آموزی شود که آموخته های آموزشگاهی و پیشرفت او کمتر از توان بالقوه و در حد انتظار اوست. از نظر امینفر (۱۳۶۵) اصطلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش از زبان اقتصاددانان گرفته شده؛ او خود آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه را که باید به محصول نهایی تبدیل شود تلف می کند، و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نمی آورد. افت تحصیلی نموده های گوناگونی دارد، به گونه ای که سازمان یونسکو مفهوم افت تحصیلی را به تکرار پایه، ترک تحصیل زودرس و کاهش کیفیت آموزشی و تحصیلی فراگیران نسبت می دهد (فتی، آذری و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه افت کیفی و آثار روانی اجتماعی و اقتصادی آن، مورد توجه و نگرانی برنامه ریزان توسعه و آموزش در بیشتر کشورهای جهان است. افت کیفی در آموزش و پرورش عبارت است از نارسایی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده آموزش و پرورش یا عدم تحقق باشد به

^۱ Machinisme

همین صورت بخشی از اهداف اساسی یادگیری و مهارت های پایه، که ممکن است به شکلهای قبولی با تبصره، عدم یادگیری کامل و مطلوب یک پایه و مشکل دانش آموز در آموختن مطالب پایه بعدی یا به صورت پیشرفت کند در تحصیل خود را نمایان سازد (ماهر، ۱۳۸۲). بنابراین افت کیفی را می توان به گونه چشمگیری در آموزش و پرورش مشاهده کرد. هرچند تعداد زیادی از دانش آموزان، دوره های تحصیلی را به هر شکل ممکن به پایان می رسانند، اما هنوز بین پیشرفت تحصیلی ظاهری آنان و آموخته ها، تواناییها و مهارتهای واقعی شان اختلاف قابل توجهی وجود دارد.

یکی دیگر از نمودهای افت تحصیلی تکرار پایه است. تکرار پایه به مفهوم تکرار تحصیل در یک کلاس برای دانش آموزانی است که سال تحصیلی گذشته نیز در همان کلاس و پایه تحصیل کرده اند. تکرار پایه پدیده ای است که سابقه دیرینه ای در نظامهای آموزشی جهان دارد (پیری و همکاران، ۱۳۹۳).

در فرهنگ جامع مدیریت، واژه ی اتلاف به معنای از دست رفتگی، خرابی، آسیب دیدگی، و اتلاف معنا شده است. فرهنگ عمید واژه افت را کمبود، کمی، کم و کاست و نقصان معنا کرده است. فرهنگ معین واژه افت را به معنای افتادن، کمبود جنس، کمی و کاست و نقصان معنا کرده است. فرهنگ وبستر واژه افت را به معنی کاستی، نقصان، کاهش کمیت، یا مقدار تعریف کرده است.

بیابانگرد (۱۳۸۴) افت تحصیلی را کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است کارشناسان تعلیم و تربیت معتقدند برای درک بیشتر پدیده مردودی یا تکرار پایه تحصیلی باید موضوع فراگیر "افت یا اتلاف تحصیلی" را مورد توجه قرارداد. این مفهوم فراگیر شامل انواع مختلف پدیده هایی است که سبب می شود تا دانش آموزان از دسترسی به اهداف آموزشی بازمانده و زمینه ناکارآمدی نظامهای آموزشی را در تامین انتظارات خانواده و دولتها از تاسیس آنها، فراهم می آورد؛ بر این اساس افت تحصیلی شامل هر گونه ناکامی آموزشی است.

در تعریف دیگر، افت تحصیلی شامل تعداد مردودین، ترک تحصیلی های زود رس، ترک تحصیل ضمن سال، ترک تحصیل از مردودین، تعداد کم فارغ التحصیلان، بیسوادی فارغ التحصیلان میزان عدم قبولی در کنکور، عدم موفقیت در المپیادهای علمی، و هزینه های فرصت از دست رفته، و همچنین درآمدهای از دست رفته می شود (بیابان گرد، ۱۳۸۰).

۳- مبانی مسئولیت در فقه

قواعدی همچون: لاضرر، اتلاف، تسبیب، ضمان ید و ضمان غرور از مهمترین مبانی مسئولیت در فقه بشمار می روند. ماحصل این قواعد آن است که از دیدگاه اسلامی: هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند (لا ضرر و لا ضرار فی السلام)، - هر کس مال دیگری را تلف کند مسئول جبران آن است (من اتلف مال الغير فهو له ضامن)، - هر کس بر مال دیگری مستولی شود، ضامن نقص و تلف آن است (علی الید ما اخذت حتی تؤدیه)، - هر کس دیگری را به امری مغرور کند و از این راه زیانی به او برساند باید جبران خسارت نماید (المغرور یرجع الی من غره)، و بطور کلی آنچه از مبانی مسئولیت در حقوق اسلام استنباط می شود آنست که، هیچ زیانی نباید بدون جبران باقی بماند. همینکه زیان وارد شده ناروا و قابل انتساب به فعل زیانبار شخصی باشد، از نظر فقه اسلامی، آن شخص مسئول جبران خسارت وارده به زیان دیده می باشد. در این فرمول کلی فرقی نمی کند که عامل زیان، شخص حقیقی باشد یا حقوقی؛ دولتی باشد یا غیر دولتی، موضوع خسارت از اموال باشد یا از ابدان؛ عین باشد یا منفعت. همین که از نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، پیشین).

۴- مسئولیت مدنی معلم

مفهوم معلم در حقوق ایران هر آموزش دهنده ای است که تا حدودی وظیفه مراقبت و مواظبت از دانش آموزی را داشته باشد. مسئولیت شخصی معلم مشمول ماده ۱ ق.م.م که بیان می دارد: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی بجان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا بهر حق دیگر که بموجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد» و قواعد عام مسئولیت مدنی است یعنی سه رکن شامل وجود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت بین فعل زیان بار و خسارت در احراز چنین مسئولیتی لازم است. اگر معلمی به نحو مباشرت سبب خسارت دانش آموزی شود، طبق ماده ۳۲۸ ق.م و اگر به نحو تسبیب باشد طبق ماده ۳۳۱ ق.م و ماده ۱ ق.م.م مسئول می باشد.

ماده ۷ ق.م.م مقرر می دارد: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد...».

بند اول ماده ۷ دارای مفهومی گسترده است و شامل هر کسی می شود که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد. البته شامل شخص حقوقی نمی شود، کلمه «کس» که در این ماده بکار رفته فقط به شخص طبیعی اطلاق می گردد (امیری قائم مقامی، ۱۳۴۷).

بنابراین هر یک از پدر، مادر، وصی و قیم در صورتی که عهده دار حضانت محجور باشند؛ مدیر مدرسه و موزگار که قانوناً موظف به مراقبت از دانش آموزان هستند؛ پرستاری که بر حسب قرارداد یا قانون، مواظبت از مجنون یا صغیر را به عهده گرفته است؛ کاسب یا پیشه ور یا صنعتگری که صغیر به او سپرده شده و نزد او کار می کند و هر شخص دیگری که به موجب قانون یا عرف و عادت یا قرارداد متصدی مواظبت و موظف به نگهداری محجور باشد مسئول قاعده مندرج در بند اول ماده ۷ هستند، قراردادی که به موجب آن مواظبت محجور به شخصی و اگذار می شود اعم است از اینکه معوض یا مجانی، کتبی و یا شفاهی باشد. تعهد به مواظبت ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت باشد.

هدف از این ماده وادار کردن سرپرست محجور به دقت و مراقبت در انجام وظیفه و بالنتیجه، حمایت از محجور، از سوی دیگر است. در حقوق ایران با لحاظ ماده ۷ ق.م.م مسئولیت معلم منوط به وظیفه مراقبتی است که در خصوص دانش آموز بر عهده دارد و شرط سنی برای دانش آموز وجود ندارد. همچنین شرط دیگر، اثبات تقصیر آموزگار می باشد. ماده ۲ از آیین نامه شیوه نامه ایمن سازی فضا و تجهیزات ورزشی مدارس کشور صریحاً معلم را مسئول سهل انگاری های حاصل از عدم مراقبت و نظارت از امکانات ورزشی می داند اومستول جبرات خسارت های مدنی و کیفری میداند «... بنابراین وظیفه مراقبتی معلم و مربی ورزش ضرورت اطمینان و سلامت این وسایل (ورزشی) را ایجاب می نماید». چنین اطمینانی جز با بازدید دقیق وسایل امکان پذیر نیست و لذا قصور در انجام این وظیفه یعنی بازدید وسایل سنگ بنای مسئولیت قانونی مربیان است و بسته به نتیجه ناگواری که به وجود می آید معلم یا مربی مسئولیت کیفری یا مدنی خواهد داشت. براساس تبصره ۲ ماده ۹۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایران که بیان می دارد: «چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ۸۵ این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کار وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزشهای لازم و تذکرات قبلی بدون توجه به دستورالعمل و مقررات موجود از آنها استفاده ننماید کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت». (ملاکه، ۱۳۹۳)

۵- مسئولیت مدنی مدیر آموزشگاه

در حقوق ایران، مطالعه آییننامه اجرایی مدارس، نشان می دهد که مدیر نیز میتواند بر مسئولین فوق، افزوده شود و تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل شخصی یا فعل غیر در مواردی بار جبران خسارت را به دوش کشد. ماده ۲ آیین نامه اجرایی مدارس مقرر می دارد: «مدرسه زیر نظر مدیر مدرسه اداره میشود...» و ماده ۴ آیین نامه مزبور نمایندگی و مسئولیت مدیر مدرسه را مطرح نموده و مقرر میدارد: «مدیر مدرسه به عنوان نماینده آموزش و پرورش منطقه مسئول حسن اجرای فعالیتهای آموزشی، مالی و اداری مدرسه می باشد و در کلیه امور مدرسه مسئولیت دارد...» در این آیین نامه زمینه مسئولیت ناشی از عمل غیر نیز در مورد مدیر فراهم شده است؛ زیرا طبق ماده ۷ آیین نامه فوق مدیر مدرسه بر دیگران نظارت دارد. حال در زمینه مورد بحث یعنی مسئولیت مدنی مدیر دو نوع مسئولیت قابل تصور است: اول؛ مسئولیت ناشی از فعل شخص: در مواردی مدیر مدرسه، خود وظایف و تکالیفی دارد که عدم رعایت تکالیف مزبور، تقصیر است و در صورتی که عدم رعایت تکالیف، سبب ورود خسارت به دیگری شود، مدیر مدرسه، مسئول خطای خود است و این مسئولیت ناشی از فعل شخصی است. به عنوان مثال، طبق ماده ۵۷ آیین نامه اجرایی مدارس «مدیران مدارس موظفند برای کمک به ارتقاء سطح بهداشت و سلامت محیط مدرسه بر اموری از قبیل تأمین آب آشامیدنی سالم، نظافت سرویسهای بهداشتی، توجه به پاکیزگی لباس، بدن، موی سر دانش آموزان، تهویه و تأمین رنگ و روشنایی مناسب رای فضای مدرسه و تهیه و توزیع مواد خوراکی در تعاونی مدرسه و استفاده از لباس کار در کارگاهها مراقبت کامل معمول دارند» با قصور در تکلیف در مراقبت اگر خسارتی به شخصی وارد آید، مدیر، مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی خواهد داشت.

دوم؛ مسئولیت ناشی از عمل غیر: در مواردی که مدیر، ناظر بر فعالیت کارکنان و معلمان مدرسه است، ممکن است این سؤال مطرح گردد که آیا اگر قصوری از ناحیه کارکنان و معلمان رخ دهد و سبب خسارت دیگری شود، آیا مدیر مدرسه هم مسئول است یا نه؟ به عنوان مثال، ماده ۸۲ آیین نامه اجرایی مدارس مقرر می دارد:

«مدیر مدرسه موظف است همکاران خود را نسبت به موارد انضباطی آگاه کند و ممنوعیت تنبیه بدنی را تذکر دهد و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را جهت اطلاع و اقدام لازم به اداره آموزش و پرورش

منطقه گزارش دهد» حال با توجه به این ماده اگر معلمی هنگام تأدیب دانش آموزی، سبب ورود خسارت به وی شود آیا گذشته از معلم، مدیر هم مسئولیت دارد یا نه؟ در پاسخ، به نظر م ی رسد که گرچه در این آیین نامه در خصوص مسئولیت مدیر، ناشی از فعل غیر به نحو صریح، مطلبی وجود ندارد، اما با توجه به قواعد کلی و به خصوص ماده ۱۰ آیین نامه میتوان مدیر را هم از بابت قصور در نظارت، مسئول

خساراتی دانست که کارکنان وی وارد می آورند، اگر چه مدیری که خسارات را جبران می نماید، باید بتواند به مقصر واقعی مراجعه کند. به عبارت دیگر، در مواردی که مدیر وظیفه نظارت و مراقبت را بر عهده دارد، اگر بتوان نوعی رابطه گماشتگی و تبعیت تصور نمود، میتوان مدیر را به عنوان متبوع، مسئول عمل کارکنان و تابعین خود دانست. البته این مسئولیت منوط به این است که قصور کارکنان در راستای وظایف محوله باشد. بنابراین، اگر معلم بیرون از محیط آموزشی و با عملی خارج از وظیفه خود، سبب خسارت دیگری شد، طبیعتاً مسئولیت مدیر منتفی است. (یزدانیان، ۱۳۹۱)

۶- مسئولیت مدنی آموزش و پرورش

به طور کلی وزارت آموزش و پرورش مسئول نهایی تمامی حوادث و سوانح برای دانش آموزان به محض ورود به مدرسه است. با استناد به ماده ۷ ق.م.م (کسیکه نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد بعهد او میباشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده ...) «و از آنجایی که پدر و مادر و مادربه ناچار و در راه اجرای تکلیف تعلیم و تربیت فرزند خود را به مدرسه و مربی و معلم می سپارند. در قراردادی که بدین منظور بسته می شود تعهد ایمنی آشکار و پنهان دیگران رانیز کم و بیش مسوول کار کودک می سازد.... پس اگر متعهد نتواند حادثه را به قوه قاهره نسبت دهد مقصر فرض می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ درباره مسئولیت کارفرما می گوید: «کارفرما مسئول خسارتی است که کارگر در حین کار به اشخاص ثالث وارد می کند. اما درباره دولت چنین مسئولیتی وجود ندارد، دولت و شهرداری ها مسئول خسارتی که کارمندانشان به اشخاص ثالث وارد می کنند نیستند، مگر اینکه خسارت وارده ناشی از نقص اداری باشد».

همچنین لازم به ذکر می باشد که ماده ۱۰۹ آیین نامه اجرایی مدارس که قبل تر مشروع آن اشاره شد وظیفه نظارت بر کار پرسنل مدارس را بر عهده آموزش و پرورش محل گذاشته بود که این امر نیز خود می تواند سبب مسئولیت مدنی دولت گردد.

ماده ۱۱ قانون مسویت مدنی تصریح دارد که: «کارمندان دولت و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می باشند، ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و یا مؤسسه مربوطه است...».

این ماده بیان می دارد که تنها در صورتی که کارمندان دولت و شهرداریها و مؤسسات وابسته به مناسبت انجام وظیفه، از روی تقصیر و عمد و یا در نتیجه بی احتیاطی موجب ورود خسارت به دیگران شوند، مسؤولیت شخصی در جبران خسارت وارده دارند، ولی اگر در نتیجه نقص وسائل ادارات و مؤسسات و یا نارسائی و کمبود وسائل، زیانی به شخصی وارد شود، مستخدمان اداری مسؤول آن نیستند، هر چند بتوان بگونه ای عمل آنان را در پیدائی زیان دخالت داد و لذا سازمان و نهاد اداری مربوطه جبران خسارت خواهد نمود.

مقصود از نقص وسائل که در این ماده استعمال شده آنست که اداره مجهز به وسائل یعنی امکانات مادی مناسب برای آموزش مثل امکانات کلاس وسایل داخل کلاس یا ساختمان مناسب برای آموزشگاه، تجهیز مدرسه به وسایل ایمنی، و مهم تر از همه نظارت تام و کامل آموزش و پرورش بر محیط های آموزشی زیر نظر این نهاد دولتی به عبارت دیگر ادارات در تجهیز خود به وسائل صحیح کار که وجود یک تشکیلات و مدیریت صحیح و منظم آن را ایجاب می کند مرتکب تقصیراتی شده باشند. (ملاکه، ۱۳۹۳)

۷- مسئولیت ناشی از عمل دانش آموز

۱- عدم وجود مقرره خاص در فقه

در فقه نسبت به مسئولیتی که معلم در خصوص خسارات ناشی از عمل دانش آموز پیدا می کند نصی وجود ندارد.

۲- قواعد استنباط مسئولیت در فقه

در مواردی که حکم مساله ای به صراحت بیان نشده باشد مانند مسئولیت معلم نسبت به فعل دانش آموز، فقه ابزارهایی را در اختیار فقها نهاده که به کمک آنها می توان حکم قضیه را پیدا کرد. در متون فقهی مسئولیت یا مبتنی بر ضمان ید است یا اتلاف یا تسبیب. با عدم صدق مسئولیت ناشی از ید ضمانی در این موارد مساله تابع اتلاف است یا تسبیب. حال در مواردی که مباشرت به تنهایی وجود داشته باشد مباشر ضامن است. اگر هم با واسطه شخصی به دیگری خسارت وارد آورد از باب تسبیب ضامن است. اما اگر دو شخص یکی از باب اتلاف و دیگری از باب تسبیب، سبب خسارت دیگری گردند چند حالت قابل تصور است: گاه سبب بر مباشر غالب می شود که در این مورد سبب ضامن است. مانند موردی که مباشر صغیر باشد. گاهی نیز سبب مغلوب مباشرت است که مباشر ضامن است. اما با تساوی آنها، قاعده اصلی، تقدم مسئولیت مباشر بر سبب است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱/ ۴۲۰) مگر در موردی که سبب اقوی باشد. در موردی که دانش آموزی سبب

خسارت به دیگری گردد بحث ید ضمانی آموزگار منتفی است. بنابراین در این موارد دانش آموزی مباشرتا سبب خسارت دیگری شده و کوتاهی معلم در مواظبت و مراقبت از وی نوعی سبب است. زیرا همانگونه که فقها ضمان معلم شنا را در ورود ضرر به کودک (ضرر ناشی از غرق شدن) نوعی تسبیب به دلیل کوتاهی و تقصیر در مواظبت و مراقبت از وی می دانند (عمیدی، ۱۴۱۶، ج ۳ / ۷۵۳) و به عبارتی همانگونه که این کوتاهی سبب می شود که طفل به خود ضرر وارد آورد، به همان نحو این کوتاهی می تواند سببی باشد تا دانش آموز به دیگری خسارت وارد آورد. در این موارد دانش آموز مباشر و معلم سبب است که طبق قاعده مباشر ضامن است مگر سبب اقوی باشد. حال اگر به برخی از متون فقهی مراجعه شود در باب سبب اقوی از مباشر یکی از مواردی که فقها سبب را اقوی دانسته اند موردی است که مباشر تحت اختیار و کنترل دیگری است مانند کودک که به قول برخی دلیل آن این است که کودک می تواند تحت اختیار و استیلا دیگری باشد به خلاف شخص کبیر. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲ / ۳۷) بنابراین به نظر می رسد با توجه به وجود قاعده تقدم مسئولیت مباشر بر سبب و با توجه به این فرمول فقهی که اگر سبب اقوی باشد فقط سبب ضامن است می توان نتیجه گرفت که اگر معلمی در مدرسه در نگهداری و مواظبت از دانش آموزی مرتکب تقصیر شده باشد (سبب) و کودکی به دیگری خسارت وارد آورد (مباشر) با لحاظ اقوی بودن سبب، معلم مسئول جبران خسارت ناشی از عمل دانش آموز می باشد. دلیل دیگر این که اگر به قول فقها حدیث شریف منقول از حضرت امام صادق (ع) مبنی بر این که «من اضر بشئ من طریق المسلمین فهو ضامن» قاعده عامی باشد (حلی علامه، ۱۴۱۳، ج ۹ / ۱۲۰) صورت نزاع یعنی مسئولیت معلم به سبب کوتاهی در نگهداری از دانش آموز در خسارتی که دانش آموز به دیگری وارد آورده مشمول قاعده می باشد (یزدانیان، ۱۳۹۱).

۸- انواع افت تحصیلی

کاربرد اصطلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش از زبان اقتصاددانان گرفته شده است و آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه را که باید به محصول نهایی تبدیل شود را تلف نموده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است.

با این وجود اگر از نقطه نظر منابع و مخارجی که جامعه در اختیار نهاد تعلیم و تربیت قرار می دهد به آموزش و پرورش نگریسته شود، بدیهی است، آموزش و پرورش یکی از بزرگترین مشاغل اقتصادی جهان است.

به طور کلی می توان گفت، افت تحصیلی به صورت های زیر در آموزش و پرورش نمود پیدا می کند:

- ۱- افت بر اثر قصور نظام اجتماعی در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی؛
- ۲- افت بر اثر قصور نظام آموزشی در آوردن کودکان، نوجوانان و جوانان به داخل نظام آموزش و پرورش؛
- ۳- افت بر اثر قصور نظام آموزشی در نگهداری افراد در داخل نظام آموزشی؛
- ۴- افت بر اثر قصور نظام آموزشی در برقراری هدف ها و برنامه های متناسب آموزشی و پرورشی؛
- ۵- افت بر اثر قصور نظام آموزشی در دستیابی کارآمد نسبت به هدف ها و برنامه های نظام آموزشی. (امین فر، ۱۳۶۵)

۸-۱- علل و عوامل افت تحصیلی

عوامل مهم در افت تحصیلی دانش آموزان عبارتند از:

۱- عوامل فردی:

بدون شک یکی از عوامل مهم در افت تحصیلی کمبود هوش و توانایی های ذهنی است، مطالعات نشان داده است که درصد بسیار اندکی (۱۰٪) از موارد افت تحصیلی به علت ناتوانی ذهنی فرد است. برای یادگیری و به خاطر سپردن هر مطلبی اولین شرط، توجه به آن مطلب است. بدیهی است که اگر دانش آموز از هوش بالایی برخوردار باشد، ولی به مطلب یا موضوعی توجه نکند، نمی تواند آن را فراگیرد. علت افت و شکست تحصیلی بعضی از دانش آموزان ناشی از عدم توجه به معلم و مواد تدریس شده و نیز عدم تمرکز حواس هنگام مطالعه و انجام تکالیف درسی است.

عامل فردی دیگر انگیزه است که موجب هدایت رفتار فرد به سوی نوعی هدف مطلوب می شود. انگیزه در واقع موتور حرکت هر فردی است. محققان یکی از دلایل افت تحصیلی را نداشتن انگیزه پیشرفت می دانند. برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان باید تلاش نمود تا فرد احساس نیاز کند. وقتی دانش آموزان در اثر شکست در درسی تازه نسبت به آن نگرشی منفی پیدا می کنند، باید به او کمک کرد تا در درس تازه موفقیت کسب کند. در نتیجه به تصویری مثبت تر به توانایی خود در مورد یادگیری مطلب درسی دست یابد، زیرا یادگیری همراه با موفقیت به ایجاد انگیزه منجر می شود و باید شرایطی را فراهم کرد که دانش آموز موفقیت خود را احساس می کند. افرادی که دارای انگیزه پیشرفت بالا هستند به تکالیفی روی می آورند که درجه دشواری آن در حد متوسط باشد و از تکالیف خیلی آسان یا خیلی دشوار پرهیز می

کنند و برعکس افرادی با انگیزه پایین به سوی تکالیف نیمه دشوار روی می آورند که بتوانند از دشواری آنها به عنوان بهانه ای برای عدم موفقیت استفاده کنند.

نارسایی های جسمی یکی دیگر از عوامل افت تحصیلی فردی است. دانش آموزانی که دارای بنیه ای ضعیف هستند و از سلامت عمومی کامل برخوردار نیستند، نمی توانند به اندازه کافی کوشش و فعالیت داشته باشند. این دسته به خاطر دارا بودن استعداد ابتلاء به انواع بیماری ها از پیشرفت درسی باز می مانند. وجود ضعف در بینایی، ناراحتی های مربوط به ضعف عصبی و مشکلات ارتباطی از جمله این موارد می باشد.

۲- علل خانوادگی:

شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل، خانواده است، که با مساعد کردن محیط خانواده می توانند باعث پیشرفت فرزندان خود گردند.

یکی از مهمترین عوامل افت تحصیلی دانش آموزان فقر مالی خانواده است که می تواند به طور غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی مؤثر باشد. محروم ماندن از غذای سالم و کافی و نداشتن استراحت لازم موجب عقب ماندگی درسی می شود. فقر فرهنگی و بیسوادی یا کم سوادی والدین، فقدان والد یا والدین، مشاجره و ناسازگاری میان والدین و نحوه برخورد و ارتباط دانش آموز با برادران و خواهران از مهمترین علل خانوادگی در افت تحصیلی دانش آموزان است.

۳- علل آموزشی و مدرسه ای:

علل آموزشی و مدرسه ای در گروه عوامل درون سازمانی (اهداف، برنامه ها و ارزش های حاکم بر تعلیم و تربیت، محتوا و روش های آموزشی، شرایط و خصوصیات مسئولان و معلمان) قرار دارند. از جمله این عوامل عبارتند از:

- ۱- نبودن تنوع در برنامه های آموزشی و درسی و نامناسب بودن تدریس معلم.
- ۲- بی علاقه ای معلم نسبت به کار و رشته تدریس خود.
- ۳- افزایش جمعیت در کلاس ها، که سبب می شود تا معلم به حد کافی نتواند به وضعیت آموزشی دانش آموزان رسیدگی کند.
- ۴- توجه نکردن به تفاوت های فردی و ارائه یک الگوی یادگیری یکنواخت برای تمامی دانش آموزان.
- ۵- استفاده از معلمان حق التدریس که صلاحیت کافی و مهارت لازم را برای تدریس ندارند.
- ۶- نبودن ارتباط لازم بین محتوای درسی و تجربیات و زندگی دانش آموزان.
- ۷- میزان تسلط معلم بر محتوای درسی، فنون و روش های تدریس.
- ۸- توجه نداشتن به نیازهای اساسی دانش آموزان.
- ۹- روش های ارزشیابی نامناسب.
- ۱۰- عدم تناسب منطقی بین محتوای کتاب های درسی.
- ۱۱- وجود فضایی خسته کننده، یکنواخت، ترس آور و ملال انگیز در بیشتر مدارس.
- ۱۲- عدم هماهنگی کامل بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه.
- ۱۳- کمبود وسایل آموزشی و کمک آموزشی و عدم مهارت معلمان در بکارگیری آنها.
- ۱۴- تدریس معلم در رشته غیر تخصصی خود.
- ۱۵- تحسین و تمجید افراطی برخی از معلمان از دانش آموزان.
- ۱۶- حاکم بودن جو عاطفی نامناسب در مدرسه.
- ۱۷- برنامه ریزی های غلط، تکنیک ها و روش های نادرست آموزشی.
- ۱۸- نامناسب بودن رفتار معلم در کلاس درس.
- ۱۹- عدم شناخت معلمان از مراحل، ویژگی ها و نیازهای رشد و تکامل دانش آموزان.
- ۲۰- نامناسب بودن فضای فیزیکی کلاس درس از لحاظ وسعت، نور، هوا و غیره.
- ۲۱- حجم زیاد مطالب درسی و کمبود وقت در نتیجه عدم فرصت کافی برای مطالعه و درک عمیق مطالب درسی.
- ۲۲- ارائه مطالب درسی بدون فاصله به دانش آموزان، که به تداخل درس های مشابه منجر می شود و بسیاری از مسایل و مشکلات دیگر که ناشی از عوامل درون سازمانی هستند (پورعلیرضا توتکله، ۱۳۹۳).

با توجه به موضوعیت مقاله حاضر نگارنده سعی بر این دارد تا در راستای دستیابی به هدف پژوهش که همان تحلیل نقش نظام آموزش و پرورش در افت تحصیلی دانش آموزان است، به توضیح تفصیلی عوامل درون سازمانی مؤثر بر افت تحصیلی بپردازد؛ لذا گاهی علت افت تحصیلی و یا شکست درسی دانش آموزان را باید در مدرسه جستجو کرد. شیوه تدریس معلم، برنامه درسی مدرسه که درست طراحی نشده

مثلاً دروس نسبتاً سخت را پشت سر هم یا در ساعاتی گذاشته اند که عموماً دانش آموزان خسته هستند. پیشداوری های معلم، شرایط فیزیکی کلاس، تعویض معلمان به طور مکرر در طول سال تحصیلی و ارزیابی های نادرست معلمان از عملکرد دانش آموزان، کنترل نامناسب کلاس و فقدان وسایل کمک آموزشی از دیگر علل در افت تحصیلی دانش آموزان هستند. همچنین عوامل دیگر مانند عدم تناسب نیازها و علایق دانش آموزان با محتوای کتب درسی و عدم هماهنگی اهداف آموزشی با نیازها و علایق دانش آموزان از عوامل افت تحصیلی می باشد. اگر محتوا و روش و فنون آموزش و پرورش واقعاً با نیازها و رغبت ها و مسائل و مشکلات دانش آموزان تناسب داشته باشد، باعث می شود که آنها در تحصیل بهتر کوشش کنند و تحصیلات خود را به پایان برسانند و در نتیجه از میزان ترک تحصیل کاسته شود.

هدف عمده در مدرسه پیش بردن یادگیری دانش آموزان است. تمام فعالیت های مدرسه باید متوجه همین هدف باشد، زیرا مقدار و نوع یادگیری دانش آموزان است که میزان فعالیت های مدرسه را روشن می کند. هرگاه دانش آموز مطلبی را یاد بگیرد و این امر موجب تغییر رفتار وی خواهد شد و به عبارت دیگر تجارب یادگیری موفقیت آمیز موجب تغییراتی در رفتار دانش آموز می شود. به وسیله ارزیابی و امتحان است که معلم می تواند اثر کوشش های خود را بفهمد و یا بداند که چه اندازه توانسته است دانش آموز را در راه رسیدن به هدف های مورد نظر کمک کند و خود نیز تا چه حد موفق بوده است. چنان چه امتحان به جای این که یک وسیله باشد، یک هدف اصلی به شمار آید، بر کل فرآیند آموزشی اثرات سوء می گذارد و هدف های حقیقی آموزش و پرورش را به مخاطره می اندازد، در چنین حالتی امتحان بر چگونگی تدریس و یادگیری تأثیر گذاشته و دانش آموزان فقط برای کسب نمره و قبول شدن در امتحان فعالیت می کنند.

دانش آموزان برای دریافت نمره به حفظ کردن مطالب می پردازند و در نتیجه قدرت تفکر و استدلال و نوآوری فراگیران ضعیف می گردد و موجب خستگی آنها از درس و معلم می شود. همه این موارد منجر به عدم پیشرفت و افزایش میزان افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل دانش آموزان می گردد.

استفاده از شیوه های صحیح امتحان یا ارزیابی پیشرفت تحصیلی، نه تنها معلم را قادر می سازد که دانش آموزان خود را در رسیدن به هدف های آموزش و پرورش راهنمایی کند، بلکه براساس ارزیابی مداوم می تواند روش تدریس را نیز ارزیابی کند. به این ترتیب می تواند از ترک تحصیل دانش آموزان جلوگیری کند. بنابراین امتحان وسیله ای نیست که تنها در پایان مراحل تحصیلی و برای و انتخاب افراد مستعد و شایسته تر به کار رود، بلکه امتحان باید به طور مداوم و در جریان تدریس باشد و در موقعیت های مختلف انجام گیرد.

شیوه تدریس معلم: می توان گفت هر دانش آموز به شیوه خاصی مطالب درسی را درک و فرا می گیرد. وظیفه معلم است که با شناخت دانش آموزان و آگاهی از چگونگی کاربرد شیوه های مختلف تدریس مدل مناسبی برای تدریس انتخاب کند.

گاهی علت افت تحصیلی دانش آموز این است که شیوه تدریس معلم مطابق روش یادگیری دانش آموز نیست تعویض مکرر معلمان: جابجایی معلمان در طول سال تحصیلی و ناتوانی بعضی دانش آموزان به منظور سازگاری با روش تدریس و خصوصیات معلم ممکن است بویژه در مقاطع آموزشی پایین تر، منجر به افت تحصیلی شود. ارزیابی نادرست معلمان از عملکرد دانش آموزان، کنترل نامناسب کلاس از سوی معلم، فقدان وسایل کمک آموزشی، کمبود کتب بررسی، عدم همکاری و ارتباط بین اولیا و مدرسه، عدم وجود نظم و انضباط در کلاس و مدرسه و کمبود فضاهای آموزشی از دیگر علل مؤثر در افت تحصیلی دانش آموزان هستند.. (۱۳۱۹۲۸)

تشویق دانش آموزان به شرکت در کلاس های خصوصی: تدریس خصوصی ممکن است در پویائی فرایند یاددهی - یادگیری در کلاسهای درس تأثیر بگذارد. مثلاً اگر تمام دانش آموزان از مراکز بیرون تدریس خصوصی بگیرند، ممکن است معلمان رسمی نیازی به کار بیشتر در کلاس نداشته باشند. همچنین وقتی برخی از دانش آموزان آموزش خصوصی میبینند، ممکن است معلمان رسمی بیش از برابری آموزشی با نابرابری آموزشی در کلاس روبرو شوند. البته ممکن است برخی از معلمان با کمک کردن به دیرآموزان این نابرابریها را جبران کنند؛ اما برخی دیگر ممکن است سراغ دانش آموزانی بروند که تدریس خصوصی را به عنوان یک هنجار قبول دارند و اختلاف میان دانش-آموزان برایشان مهم نیست. و این خود منجر به افت تحصیلی دانش آموزانی میشود که به هردلیلی نمیتوانند از کلاس های خصوصی بهره ببرند. (ستایش، ۱۳۹۲)

۹- خسارت های ناشی از افت تحصیلی

به طور کلی خسارت های ناشی از افت تحصیلی در سه گروه زیر قابل طبقه بندی است:

الف) هزینه های تحمیل شده بر دولت شامل:

-اتلاف هزینه جاری اداره موسسات آموزشی توسط دولت

-اتلاف سرمایه گذاری های ثابت برای احداث و تجهیز فضاهای آموزشی و پرورشی

ب) هزینه های تحمیل شده بر خانواده ها شامل:

-اتلاف هزینه های مستقیم آموزشی مانند تامین نوشت افزار و سایر وسایل تحصیل، پرداخت شهریه، حق ثبت نام و کمک های اتفاقی

به مدارس

-اتلاف هزینه های حمل و نقل و ارتباطات برای رفت و آمد دانش آموز به مدرسه

ج) خسارت های وارده به دانش آموز شکست خورده شامل:

-هزینه فرصت های از دست رفته بر اثر دیرتر راه یافتن به بازار کار

-هزینه های تحمیل شده بر دولت بر اثر تقویت زمینه بروز انحرافات، سرماخوردگی ها، افسردگی ها و یا تزلزل روحیه در نوجوانان

شکست خورده

-هزینه های تحمیل شده بر خانواده ها برای جبران بروز عوارض روانی و جسمی و اخلاقی ناشی از شکست تحصیلی در فرزندان

آنها. (نفیسی، ۱۳۷۰)

۱۰- نتیجه گیری

نقش نظام تعلیم و تربیت در پیشگیری از افت تحصیلی بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا به عنوان مبدأ و منشأ تمامی تغییرات و تحولات در جامعه مطرح است. بطور کلی نظام آموزشی هر کشور، مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت افراد جامعه را به عهده دارد؛ بنابراین باید مسئولیت و وظایف خود را به درستی انجام دهد، تا بتواند به هدف اصلی خویش که همان اعتلای مقام و منزلت انسان است، نائل آید. بنابر ماده ۱ ق.م. آموزش و پرورش موظف به جبران کلیه خسارتهای مادی و معنوی وارد آمده به دانش آموزان می باشد و همچنین آموزش و پرورش نسبت به آینده این دانش آموزان نیز مسئول می باشد.

۱۱- پیشنهادات

- ۱- یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای آموزش و پرورش پیشگیری از افت تحصیلی دانش آموزان است، که باید نسبت به رفع این مشکل اقدام و تدابیر و راهکارهای لازم را پیش بینی کند؛ از جمله این راهکارها می توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - ۱- از مدیران لایق، متعهد و متخصص بهره گیرد، که ضمن توانمندی لازم از بینش و بصیرت کافی در مورد مشکلات آموزش و پرورش برخوردار باشند.
 - ۲- به مسایل و عوامل عمده آموزشی مانند اهداف، محتوای آموزشی، برنامه ریزی درسی، شیوه های تدریس و ... نگاهی عمیق و گسترده داشته باشد.
 - ۳- در تدوین برنامه های درسی و آموزشی، به ویژگی های دانش آموزان، موقعیت و نیازهای آنها بیشتر توجه کند.
 - ۴- از مربیان و معلمانی استفاده کند، که دوره های تربیت معلم را با موفقیت گذرانده و از صلاحیت کافی و مهارت لازم برای تدریس برخوردارند.
 - ۵- مقام و منزلت معلم را ارتقاء دهد و مشکلات مادی و دغدغه های فکری او را بنحوی شایسته حل نماید.
 - ۶- برقراری عدالت آموزشی در جامعه، بطوریکه تمامی اقشار و گروه های اجتماعی بتوانند از آموزشهای لازم و کافی با توجه به نیازهای خود برخوردار شوند.
 - ۷- از افزایش جمعیت دانش آموزان در کلاس درس جلوگیری کند، تا معلم راحتتر بتواند نقش تربیتی و آموزشی خود را ایفا نماید.
 - ۸- جبران کمبود وسایل آموزشی و کمک آموزشی و آموزش معلمان در بکارگیری آنها در کلاس درس.
 - ۹- برنامه ریزی مناسب و فراهم کردن امکانات لازم برای پُر کردن اوقات فراغت دانش آموزان.
 - ۱۰- استفاده از راهکارهای مناسب برای از بین بردن زمینه های ناسالم و نامطلوب مانند دزدی، انحرافات، بزهکاری، باندهای مواد مخدر و مانند آن در جامعه و ...
- ۱۱- رسیدگی به وضع معیشتی معلمان و ایجاد جاذبه های شغلی برای این حرفه، محوری ترین نکته ای است که می تواند نارسایی های جانبی را بازسازی کند. زیرا که دیوارهای بنای عظیم آموزش که با مصالحی همچون برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، خلق روش های نو در تدریس، فراهم سازی امکانات و تجهیزات و فضا سازی لازم و... ساخته می شوند هرچند اصولی، دقیق و حساب شده باشند اما در برابر وضعیت نامناسب زندگی اجتماعی معلمان مقاوم نخواهد بود.
- ۱۲- دستگاه ها و سیستم های مختلف آموزشی و فرهنگی اعم از دولتی، نمونه مردمی و غیرانتفاعی هر کدام راه خود را می روند و فاقد یک برنامه ریزی کلان و منسجم هستند. لذا اولین ضرورت در آموزش و پرورش، نظم بخشیدن به این نوع رفتارهاست که به نظر می رسد ایجاد هسته هایی که بتواند تحول در نظام آموزشی را با توجه به تجارب کشورهای موفق مورد ارزشیابی قرار دهد، مورد نیاز است.

منابع و مراجع

- [۱] امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۴۷، حقوق تعهدات، ج ۱، چاپ تهران.
- [۲] امین فر، مرتضی، ۱۳۶۵، افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.
- [۳] ایمانی، محمد تقی؛ بیناب، فرزانه، ۱۳۸۹، رابطه بین فشارهای وانی با اثربخشی مدیران مدارس راهنمایی دخترانه شهر تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره دوم.
- [۴] آزادیکتا، مهرناز، ۱۳۹۱، بررسی نقش راهبردهای مقابل های و سبک اسنادی ب هعنوان پی شی نهایی افت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، فصلنامه دست آوردهای روا نشناختی ۴ (۱).
- [۵] بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۰، روش های پیشگیری از افت تحصیلی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان کشور.
- [۶] پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، (۱۳۸۷)، مجموعه سوال های علوم و ریاضی تیمز (پایه سوم راهنمایی) به همراه چکیده نتایج ملی و بین المللی تیمز ۲۰۰۷.
- [۷] پورعلیرضا توتکله، علی، ۱۳۹۳، افت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن روزنامه اطلاعات، ۱۸ بهمن ۱۳۹۳.
- [۸] پیری، موسی؛ محمودی بردزردی، ۱۳۹۳، تبیین افت تحصیلی براساس مستندان و دیدگاه اعضای شوراهای دبیران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۵۵، سال چهاردهم.
- [۹] تهران.
- [۱۰] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- [۱۱] حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۲] رحیمی کچویی، فاطمه؛ صابره بذرافشان و مرتضی علیخانی، ۱۳۹۳، رابطه بین تیپ های شخصیتی و رضایت شغلی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- [۱۳] ستایش، حسن، ۱۳۹۲، اثرات نامطلوب تدریس خصوصی (ابعاد، تبعات و واکنش دولت ها) (ترجمه)، تهران، انتشارات اوری نور.
- [۱۴] صبور خسروشاهی، حبیب، ۱۳۸۹، آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و راهبردهای مواجهه با آن، مقاله پژوهشی، دوره ۱، شماره ۱.
- [۱۵] صفار، محمدجواد، ۱۳۷۳، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات دانا.
- [۱۶] طباطبایی، سید علی بن ابن معاذ، ۱۴۱۸، ریاض المسائل، ج ۱۶، ۱، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام.
- [۱۷] عمیدی، سید عمیدالدین عبدالمطلب بن محمد، ۱۴۱۶، کنزالفوائد، ج ۳، ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۸] فتی، لادن؛ آذری، شیدا؛ برادران، حمید و اطلسی، رشاء، ۱۳۹۲، مرور سیستماتیک بررسی علل افت تحصیلی دانشجویان پزشکی، گامهای توسعه در آموزش پزشکی (۲).
- [۱۹] قاسمی، سید هفاطمه؛ حس نوند، شیرین و ولی زاده، فاطمه، ۱۳۹۳، بررسی فراوانی افت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی خرم آباد، مجله آموزش پرستاری ۳ (۱).
- [۲۰] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲۱] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه
- [۲۲] ماهر، فرهاد، ۱۳۸۲، کم پیشرفتی تحصیلی، مفهومی فراموش شده، فصلنامه مطالعات جوانان،
- [۲۳] ملاکه، ابراهیم، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی آموزش و پرورش در قبال حادثه شین آباد، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی حق گستر.
- [۲۴] موسوی بجنوردی، حسن بن اقبازرگ، ۱۴۱۹، قواعد الفقیه، ج ۲، ۱، قم، نشر الهادی.
- [۲۵] نفیسی، عبدالحسین، ۱۳۷۰، برآورد خسارتهای اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی در جامعه ایران در سال ۱۳۶۵، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۲، شماره مسلسل ۱۸.

[۲۶] یزدانیان، علیرضا، ۱۳۹۱، طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست.

[27] Sedghi Bokani N. [Factors Affecting Dr - opout students in city schools Bokan]. J W - est Azarbaijan Uni 2003 ; 21:563 – 9 .(Persian)